



آموزش قواعد و مفاهیم درس (الأعداد من واحد إلى مئة / اعداد از ۱ تا ۱۰۰)

اعلموا: بدانید / اعداد اصلی و ترتیبی و رابطه شان با معدود

یکی از مباحث مهم در زبان عربی بحث عدد و معدود است. در سال‌های گذشته با دو نوع عدد (اصلی و ترتیبی) آشنا شدیم، آن هم از یک تا دوازده و از یکم تا دوازدهم (برای آشنایی با ساعت و وقت). اینک در این درس علاوه بر اعداد ۱ تا ۱۲ قواعد بقیه‌ی اعداد تا ۱۰۰ را می‌آموزیم و ارتباطش را با معدود (اسم قابل شمارش بعد از آن) از نظر اعراب (یاء) (علامت‌هایی که نقش کلمه را در جمله نشان می‌دهد)، جنسیت (مذکر و مؤنث) و تعداد (مفرد، مثنی و جمع) یادآور می‌شویم.

عدد و معدود هر دو اسم هستند (اسم + اسم) و حرف و فعل^۲ نیستند، بنابراین بحث عدد و معدود یک ترکیب وصفی یا اضافی است و باید مواظب حرکت، جنسیت و تعداد این دو اسم باشیم.

اعداد
 اصلی: یک، دو، سه، چهار، پنج، ... صد
 ترتیبی: یکم، دوم، سوم، چهارم، پنجم، ... صدم

عدد ۱ و ۲ و رابطه شان با معدود

عدد ۱ (واحد، واحدة) و ۲ (اثنان، اثنین، اثنان، اثنین) بعد از معدود و به عنوان صفت می‌آید؛ یعنی اول معدود و بعد عدد می‌آید، اگر معدود مذکر باشد، عدد مذکر و اگر معدود مؤنث باشد، عدد مؤنث می‌آید:

- اگر معدود، مذکر و یکی باشد + واحد ← کتاب واحد (یک کتاب) / سائح واحد (یک گردشگر)
- اگر معدود، مؤنث و یکی باشد + واحدة ← مدرسة واحدة (یک مدرسه) / غرفة واحدة (یک اتاق)
- اگر معدود، مذکر و دو تا باشد + اثنان یا اثنین ← کتابان اثنان / کتابین اثنین (دو کتاب) / قلمین اثنین (دو قلم)
- اگر معدود، مؤنث و دو تا باشد + اثنان یا اثنین ← مدرستان اثنان / مدرستین اثنین (دو مدرسه) / مدرستان اثنان (دو خانم معلم) / امرأتین اثنین (دو زن)

نادرست: (۱) واحد قلم، (۲) واحدة غرفة، (۳) اثنان کتابان، (۴) اثنان غرفتان، (۵) قلم واحدة، (۶) کتاب واحد، (۷) کتابان اثنین

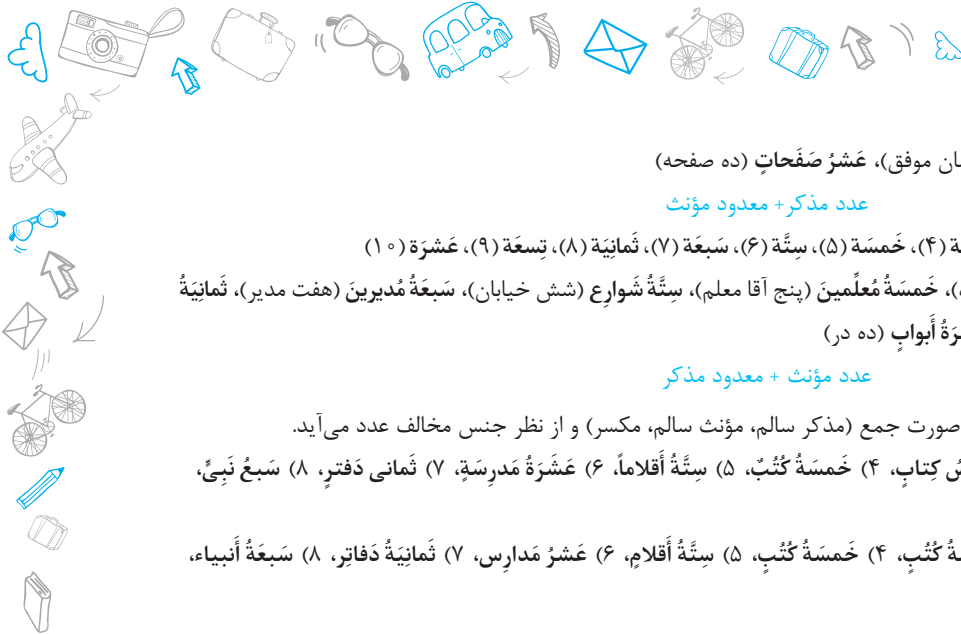
درست: (۱) قلم واحد، (۲) غرفة واحدة، (۳) کتابان اثنان، (۴) غرفتان اثنان، (۵) قلم واحد، (۶) کتاب واحد، (۷) کتابان اثنان یا کتابین اثنین

عدد ۳ تا ۱۰ و رابطه شان با معدود

الف) عدد مذکر برای معدود مؤنث: ثلاث (۳)، أربع (۴)، خمس (۵)، ست (۶)، سبع (۷)، ثمانی (۸)، تسع (۹)، عشر (۱۰) مانند: ثلاث معلمات (سه معلم خانم)، أربع سمكات (چهار ماهی)، خمس تلميذات (پنج دانش‌آموز)، ست فواكه (شش میوه)، سبع حدائق (هفت باغ)،

۱- میحث اعراب (مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم) را در درس‌های آینده خواهیم آموخت.

۲- باید بدانیم که کلمات در عربی به ۳ دسته تقسیم می‌شوند: اسم، فعل و حرف (مقصود از حرف در اینجا کلماتی، مانند «من، إلي، في، علی و ...» است که به تنهایی معنا ندارند و در جمله معنادر می‌شوند).



ثمانی قصص (هشت قصه)، تسع ناجحات (نه انسان موفق)، عشر صفحات (ده صفحه)

عدد مذکر + معدود مؤنث

ب) عدد مؤنث برای معدود مذکر: ثلاثة (۳)، أربعة (۴)، خمسة (۵)، ستة (۶)، سبعة (۷)، ثمانية (۸)، تسعة (۹)، عشرة (۱۰) مانند: ثلاثة دفاتر (سه دفتر)، أربعة أقمار (چهار ماه)، خمسة معلمين (پنج آقا معلم)، ستة شوارع (شش خیابان)، سبعة مديرين (هفت مدیر)، ثمانية ثوب (هشت خانه)، تسعة مفاتيح (نه کلید)، عشرة أبواب (ده در)

عدد مؤنث + معدود مذکر

★) معدود سه تا ده، مضاف‌الیه (و مجرور) و به صورت جمع (مذکر سالم، مؤنث سالم، مکسر) و از نظر جنس مخالف عدد می‌آید.
 نادرست: ۱) ثلاث کتابا، ۲) أربعة كتباً، ۳) خمس کتاب، ۴) خمسة كتب، ۵) ستة أقلاماً، ۶) عشرة مدرسة، ۷) ثمانی دفتر، ۸) سبع نبی، ۹) تسعة صفحات
 درست: ۱) ثلاثة كتب، ۲) أربعة كتب، ۳) خمسة كتب، ۴) ستة أقلام، ۶) عشر مدارس، ۷) ثمانية دفاتر، ۸) سبعة أنبياء، ۹) تسع صفحات

عدد ۱۱ و ۱۲ و رابطه‌شان با معدود

الف) اول عدد و بعد معدود می‌آید:

أحد عشر / اثنا عشر، إثني عشر / إحدى عشرة / اثنتا عشرة، اثنتي عشرة + اسم قابل شمارش

ب) عدد و معدود از نظر جنس با هم هماهنگی دارند:

عدد مذکر + معدود مذکر / عدد مؤنث + معدود مؤنث

ج) معدود آن‌ها مفرد می‌آید:

أحد عشر كوكباً (یازده ستاره)، إحدى عشرة مدرسة (یازده مدرسه)، اثنا عشر إماماً (دوازده امام)، اثنتا عشرة آية (دوازده آیه)
 نادرست: ۱) أحد عشر راكب، ۲) أحد عشر صفحة، ۳) اثنا عشر كتباً، ۴) اثنتا عشرة قلماً، ۵) اثنتي عشرة دفتراً، ۶) اثنا عشرة مدرسة، ۷) إحدى عشرة كوكباً، ۸) أحد عشرة معلمة
 درست: ۱) أحد عشر راكباً، ۲) إحدى عشرة صفحة، ۳) اثنا عشر كتاباً، ۴) اثنا عشر قلماً، ۵) اثني عشر دفتراً، ۶) اثنتا عشرة مدرسة، ۷) أحد عشر كوكباً، ۸) إحدى عشرة معلمة

اعداد ۱۳ تا ۱۹ و رابطه‌شان با معدود

الف) اول عدد و بعد معدود می‌آید.

ب) جزء اول عدد (یکان) یعنی «ثلاثة» و «ثلاث» در «ثلاثة عشر» و «ثلاث عشرة» از نظر جنس مخالف با معدود می‌آید و جزء دوم عدد (دهگان) یعنی «عشر» و «عشرة» در «ثلاثة عشر» و «ثلاث عشرة» از نظر جنس موافق با معدود می‌آید.

ج) معدود مفرد می‌آید.

خمس / عشر / تمثالاً (پانزده تندیس) (جزء اول مؤنث + جزء دوم مذکر + معدود مذکر)
 بست / عشرة / مدينة (شانزده شهر) (جزء اول مذکر + جزء دوم مؤنث + معدود مؤنث)

نادرست: ۱) ثلاث عشر کتاباً، ۲) أربعة عشرة صفحة، ۳) سبعة عشر صفحة، ۴) تسع عشر دفاتر، ۵) ثمانی عشرة مجلات، ۶) ستة عشر قلم
 درست: ۱) ثلاثة عشر کتاباً، ۲) أربع عشرة صفحة، ۳) سبع عشرة صفحة، ۴) تسعة عشر دفتراً، ۵) ثمانی عشرة مجلة، ۶) ستة عشر قلماً

اعداد ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ (که اصطلاحاً اعداد عقود نام دارند) و رابطه‌شان با معدود

الف) هم با معدود مؤنث و هم مذکر یکسان به کار می‌روند.

ب) معدود آن‌ها مفرد می‌آید.

اعداد عقود عبارت‌اند از: عشرون (عشرون)، ثلاثون (ثلاثين)، أربعون (أربعين)، خمسون (خمسين)، ستون (ستين)، سبعون (سبعين)، ثمانون (ثمانين)، تسعون (تسعين). مانند: عشرون مدرسة، أربعين حديثاً، خمسون يوماً، ستين رجلاً، ثمانين مدرسة، تسعون صفحة

نادرست: ۱) عشرون صفحة، ۲) ثلاثون كتباً، ۳) تسعون حمامة، ۴) سبعين دفاتر، ۵) ستون رجال، ۶) أربعون يوم، ۷) ثمانين مجلة
 درست: ۱) عشرون صفحة، ۲) ثلاثون كتاباً، ۳) تسعون حمامة، ۴) سبعين دفتراً، ۵) ستون رجلاً، ۶) أربعون يوماً، ۷) ثمانين مجلة



خبرنگار

۲۹



عددهایی که با او عطف می آیند، یعنی از ۲۱ تا ۹۹ و رابطه شان با معدود

به غیر از اعداد عقود که گفته شد و اصطلاحاً این اعداد «معطوف» نام دارند.

الف) معدود آن‌ها مفرد می آید.

ب) اگر یکان عدد ۱ و ۲ باشد (بیست و یک / بیست و دو / سی و یک / سی و دو / ...) از نظر جنس با معدود موافق می آیند (مذکر با مذکر و مؤنث با مؤنث) ولی اگر یکان عدد ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ یا ۹ باشد، یکان عدد از نظر جنس مخالف معدود می آید؛ مانند:

واحدة (مؤنث) و عشرون جامعه (مؤنث)

تسع (مذکر) و تسعون بقرة (مؤنث)

سبع (مذکر) و ثلاثون حديقة (مؤنث)

ثلاثة (مؤنث) و ستون طائراً (مذکر)

تسعة (مؤنث) و عشرون كرسيًا (مذکر)

نادرست: ۱) واحد و عشرون كتاب، ۲) ثلاثة و خمسين مجلات، ۳) خمس و سبعون كرسيًا، ۴) أربعة و ثمانين غرفة، ۵) تسع و تسعون مديرًا،

۶) خمسة و خمسين معلمة

درست: ۱) واحد و عشرون كتاباً، ۲) ثلاث و خمسين مجلة، ۳) خمسة و سبعون كرسيًا، ۴) أربع و ثمانين غرفة، ۵) تسعة و تسعون مديرًا،

۶) خمس و خمسين معلمة

عدد ۱۰۰ و رابطه اش با معدود

الف) عدد صد (مئة) به صورت (مائة) نیز نوشته می شود.

ب) با معدود مذکر و مؤنث یکسان به کار می رود.

ج) معدود به صورت مضاف الیه و مفرد می آید.

مائة كتاب، مائة غرفة، مائة مدرسة، مائة يوم، مائة معلم، مائة معلمة، مائة قلم

اعداد ترتیبی ۱ تا ۲۰ و رابطه شان با معدود

الف) اعداد «الأول، الثاني، الثالث، الرابع، الخامس، السادس، السابع، الثامن، التاسع، العاشر، الحادي عشر، الثاني عشر، الثالث عشر، الرابع عشر، الخامس عشر، السادس عشر، السابع عشر، الثامن عشر، التاسع عشر، العشرون» برای معدود مذکر به کار می رود.

ب) اعداد «الأولى، الثانية، الثالثة، الرابعة، الخامسة، السادسة، السابعة، الثامنة، التاسعة، العاشرة، الحادية عشرة، الثانية عشرة، الثالثة عشرة، الرابعة عشرة، الخامسة عشرة، السادسة عشرة، السابعة عشرة، الثامنة عشرة، التاسعة عشرة، العشرون» برای معدود مؤنث به کار می رود.

ج) این اعداد معمولاً با «ال» و بر وزن «الفاعل» برای اسم مذکر و بر وزن «الفاعلة» برای اسم مؤنث به کار می روند (مگر «الأول» و «الأولى» که به عنوان صفت و بعد از معدود می آیند؛ مانند: الدرس الخامس (درس پنجم)، الغرفة العاشرة (اتاق دهم)، المدرسة السابعة عشرة (مدرسه هفدهم))

د) (برای آشنایی بهتر با اعداد، به جدول هایی که در انتهای کتاب آمده است، توجه کنید.)

خلاصه

- اگر عدد ۱ و ۲ باشد، از نظر جنس با معدود موافق می آید.
- اگر عدد ۳ تا ۹ باشد، از نظر جنس با معدود مخالف می آید.
- اعداد عقود هم با مذکر و هم با مؤنث یکسان به کار می روند.
- معدود عدد ۳ تا ۱۰ مضاف الیه (و مجرور) و جمع به کار می رود.
- معدود عدد ۱۱ تا ۹۹ مفرد (و منصوب) به کار می رود.
- معدود عدد ۱۰۰ مفرد (و مجرور) به کار می رود.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودآزمایی): تَرَجِّمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (به فارسی ترجمه کن.)

۱- «ثلاثين ليلةً»

۲- «سبعين رجلاً»

۳- «عليها تسعة عشر»

۴- خمسة عشر تمثالاً

۵- واحدة و عشرون جامعه

۶- ست عشرة مدينة

«الأعراف: ۱۴۲»

«الأعراف: ۱۵۵»

«المزّم: ۳۰»





- ۷- تِسْعَ وَ تِسْعُونَ بَقْرَةً
- ۸- سَبْعَ وَ ثَلَاثُونَ حَدِيقَةً
- ۹- ثَلَاثَةَ وَ سِتُونَ طَائِرًا
- ۱۰- وَاحِدَةً وَ سَبْعُونَ قَرْيَةً
- ۱۱- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ عَامًا
- ۱۲- تِسْعَةَ وَ عِشْرُونَ كُرْسِيًا

پلسخ خودآمویی

- ۱- سی شب
- ۲- هفتاد مرد
- ۳- نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن (جهنم) هستند.
- ۴- پانزده تندیس
- ۵- بیست و یک دانشگاه
- ۶- شانزده شهر
- ۷- نود و نه گاو
- ۸- سی و هفت باغ
- ۹- شصت و سه پرند
- ۱۰- هفتاد و یک ده
- ۱۱- هشتاد و دو سال
- ۱۲- بیست و نه صندلی

فن ترجمه

تصور نکنید که فقط در زبان انگلیسی «حرف اضافه» بسیار اهمیت دارد و معنای فعل را تغییر می‌دهد و کار یادگیری را دشوار می‌سازد! در زبان عربی نیز حرف اضافه سبب تغییر معنای فعل می‌شود. اکنون این فعل‌ها را با حرف اضافه‌ی آن به خاطر بسپارید:

- قام (ایستاد) / قام بِ (اقدام کرد، عمل کرد، پرداخت) / حرف اضافه فعل لازم را به متعدی تبدیل می‌کند.
 - جاء (آمد) / جاء بِ (آورد) / فعل لازم به متعدی تبدیل شده است.
 - أتى (آمد) / أتى بِ (آورد) / فعل لازم به متعدی تبدیل شده است.
 - بَحَثَ (بحث کرد) / بَحَثَ عَن (جست‌وجو کرد)
- به این جمله‌ها و تفاوت فعل‌ها و معنای آن‌ها دقت کنید:

دَخَلَ الْأُسْتَاذُ فِي الصَّفِّ فِقَامَ الطَّلَابِ إِحْتِرَامًا لَهُ. (استاد وارد کلاس شد و دانشجویان به احترامش برخاستند.)

قام جَدِي بِتَوَازُعِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنِينَ وَ الْبَنَاتِ فِي الْحَفْلَةِ. (پدر بزرگم در جشن، به پخش کردن هدیه‌ها میان پسران و دختران پرداخت.)

جاءتْ أُمِّي مِنَ السَّفَرِ. (مادرم از مسافرت آمد.)

جاءتْ أُمِّي الْمَضِيافَةَ بِالطَّعَامِ لِضَيْوْفِنَا الْأَعْزَاءِ. (مادر مهمان‌نوازم برای میهمانان عزیزمان غذا آورد.)

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودآمویی): تَرَجَّمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. *نور السماء*

(به فارسی ترجمه کن.) *نور آسمان*

- ۱- ﴿ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا اَبْنَاءَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهُ ﴾
- ۲- ﴿ وَ لَقَدْ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا اِلَى قَوْمِهِمْ فِجَاؤُوْهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ﴾
- ۳- ﴿ مَنْ اِلٰهَ غَيْرِ اللّٰهِ يٰۤاَتِيْكُمْ بِضِيَاٍۭ اَفْلَا تَسْمَعُوْنَ ﴾
- ۴- ﴿ وَ جَاءَ اِخْوَةَ يُوْسُفَ فَدْخَلُوْا عَلَيْهِ فَعَرَفُوْهُمْ ﴾
- ۵- ﴿ فُلْ مِنْ اَنْزَلِ الْكِتٰبِ الَّذِيْ جَاءَ بِهٖ مُوسٰى ﴾

«غافر: ۲۵»

«الروم: ۴۷»

«التقصص: ۷۱»

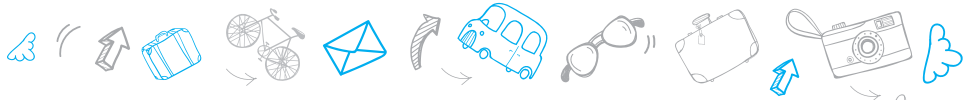
«يوسف: ۵۸»

«الأنعام: ۹۱»

پلسخ خودآمویی

- ۱- پس زمانی که حق را از سوی ما بر ایشان آورد، گفتند: پسران کسانی را که با او (موسی) ایمان آورده‌اند، بکشید. (جاء... بِ [آورد])
- ۲- قطعاً پیامبرانی را پیش از تو به سوی قومشان فرستاده‌ایم و آن‌ها دلایل روشن را برای آن‌ها آوردند. (جاؤوهم بِ [برای آن‌ها آوردند])
- ۳- چه کسی معبودی غیر خدا هست که (می‌تواند) روشنایی را برای شما می‌آورد، پس آیا نمی‌شنوید. (یاآتیکم بِ [برای شما می‌آورد])
- ۴- و برادران یوسف (به مصر) آمدند و به خدمت او رسیدند و او آن‌ها را شناخت. (دخلوا علی [بر ... وارد شدند])
- ۵- بگو چه کسی کتابی را که موسی (ع) آن را آورد، فرو فرستاد؟ (جاء بِ [آورد])

یکی از موضوعات مهم در برگردان و ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد این است که ساختار زبان مقصد رعایت شود، مثلاً اگر در زبان فارسی



اول نهاد می آید و بعد گزاره و یا اول فاعل، بعد مفعول و در آخر فعل، این ترتیب رعایت شود. بر این اساس در ترجمه به زبان فارسی شایسته است که فعل را در آخر جمله بیاورید.

متن درس و ترجمه‌ی واژه‌به‌واژه و ترجمه‌ی روان آن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: قطعاً من مسئولم و شما (نیز) مسئول هستید.

«إِنَّكُمْ	مَسْئُولُونَ»	أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قطعاً	شما مسئول هستید.	امیر مؤمنان علی علیه السلام
«شما مسئولید»		

كَانَتْ سَمِيَّةٌ بِإِنْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ، بُوِدَ سَمِيهَ بَهْ اِنْتِظَارِ مَادْرَشْ بَرَايَ بَا زْگِشْتِ بَهْ خَانَهْ بَعْدَ اَزْ پَايَانِ سَاعَتِ كَارِ مَدْرَسَهْ، بَعْدَ اَزْ پَايَانِ سَاعَتِ كَارِ مَدْرَسَهْ، سَمِيهَ بَرَايَ بَا زْگِشْتِ بَهْ خَانَهْ مَتَنظَرِ مَادْرَشْ بُوَد،

چون «سمیه» مؤنث است، فعل نیز مؤنث می آید (كانت) و به همین دلیل ضمیر «ها» در «والدتها» نیز ضمیر مفرد مؤنث آمده است.

حُجْرَاتِ الْمَدْرَسَةِ: ترکیب اضافی

وَ	كَانَتْ	حُجْرَاتُ	الْمَدْرَسَةِ	مُعَلَّقَةٌ،
و	بود	اتاق‌های	مدرسه	بسته،
و اتاق‌های مدرسه بسته (شده) بود،				

جَمْعٌ قَلِيلٌ: ترکیب وصفی

وَ	مَا بَقِيَ	فِي	الْمَدْرَسَةِ	إِلَّا	جَمْعٌ	قَلِيلٌ	مِنْ	زَمِيلَاتِهَا؛
و	نمانده	در	مدرسه	مگر	گروه	اندکی	از	هم‌کلاسی‌هایش؛
و در مدرسه جز گروه اندکی از هم‌کلاسی‌هایش کسی نماند؛								

مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ: ترکیب اضافی

وَ	كَانَتْ مُدِيرَةً	الْمَدْرَسَةِ	وَ	بَعْضُ	الْمُدْرَسَاتِ	يَنْتَظِرْنَ	أَنَّ
و	مدیر	مدرسه	و	برخی از	معلم‌ها	منتظر می‌مانند	که
و مدیر مدرسه و بعضی از معلم‌ها منتظر بودند که							

مَكِّيْفُ الْهَوَاءِ: ترکیب اضافی

تَفَرَّغَ	الْمَدْرَسَةُ	مِنْ	الطَّالِبَاتِ.
خالی شود	مدرسه	از	دانش‌آموزان.
مدرسه از دانش‌آموزان خالی شود.			

عِنْدَيْهِ	سَمِعَتْ	سَمِيَّةٌ	صَوْتَ	مَكِّيْفِ الْهَوَاءِ	مِنْ	إِحْدَى	الْحُجْرَاتِ،
در آن هنگام	شنید	سمیه	صدای	کولر (را)	از	یکی از	اتاق‌ها،
در آن هنگام سمیه صدای کولر را از یکی از اتاق‌ها شنید،							

وَ	شَاهَدَتْ	الْمَصَابِيحَ	مِنْ	التَّوَافِذِ،
و	دید	چراغ‌ها (را)	از	پنجره‌ها،
و چراغ‌ها را از پنجره‌ها دید،				

عربی (دهم) انسانی

خبر

۳۲





صَفَّ آخَرَ: تركيب وصفی

فَطَّنْتُ	أَنَّ	طَالِبَاتٍ	صَفُّ	آخَرَ	فِي	حِصَّةٍ	تَقْوِيَةٍ
پس گمان کرد	که	دانش آموزان	کلاسی	دیگر	در	زنگ	تقویتی (هستند)
و خیال کرد که دانش آموزان کلاسی دیگر در زنگ کلاس تقویتی هستند،							

نشاطاً حُرّاً: تركيب وصفی

أَوْ	يُمَارِسْنَ	نَشَاطاً	حُرّاً؛
یا	انجام می دهند	فعالیتی	آزاد؛
یا یک فعالیت آزاد انجام می دهند،			

وَ	عِنْدَمَا	نَظَرْتُ	بِدِقَّةٍ،	وَجَدْتُ	الْحَجْرَةَ	فَارِغَةً.
و	زمانی که	نگاه کرد	با دقت،	یافت	اتاق (را)	خالی.
و چون با دقت نگاه کرد، دید که اتاق خالی است.						

حَاوَلْتُ	فَتَحَ	الْبَابِ،	فَوَجَدْتُهُ	مُغْلَقاً
تلاش کرد	گشودن	در (را)،	پس دید آن (را)	بسته
تلاش کرد که در (کلاس) را باز کند، پس دید که آن بسته است،				

فَدَهَبْتُ	إِلَى	مُدِيرَةٍ	الْمُدْرَسَةِ،	وَ	أَخْبَرْتُهَا	بِمَا	شَاهَدْتُ،
پس رفت	به طرف	مدیر	مدرسه،	و	خبر داد به او	به آن چه (که)	دید،
آن گاه پیش مدیر مدرسه رفت و نسبت به آن چه که دیده به او خبر داد،							

فَشَكَرْتُهَا	الْمُدِيرَةَ،	وَ	طَلَبْتُ	مِنَ سَمِيَّةَ	إِطْفَاءَ	الْمَصَابِيحِ	وَالْمُكَيِّفِ.
پس سپاس گزاری کرد از او	مدیر، و	خواست	از	سمیه	خاموش کردن	چراغها	و کولر (را).
در نتیجه مدیر از او تشکر کرد و از سمیه خواست که چراغها و کولر را خاموش کند.							

عِنْدِيذٍ	شَاهَدَتِ	الْمُدِيرَةَ	طَالِبَةً	بِاسْمِ	فَاطِمَةَ
در آن هنگام	دید	مدیر	دانش آموزی	به نام	فاطمه (را)
در آن هنگام خانم مدیر دانش آموزی به نام فاطمه را دید؛					

حنفية الماء: تركيب اضافی

كَانَتْ فَاطِمَةُ	تَذَهَبَ	لِإِغْلَاقِ	حَنْفِيَةِ الْمَاءِ	الَّتِي	كَانَتْ	مُفْتَوِّحَةً	قَلِيلاً.
فاطمه	(می رفت)	برای بستن	شیر آب	که	بود	باز	کمی.
فاطمه برای بستن شیر آبی که کمی باز بود، می رفت.							

اليوم التالي و الاصطفاف الصباحي: تركيب وصفی

وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِيِ،	شَكَرْتُ	مُدِيرَةَ الْمُدْرَسَةِ	فِي	الاصطفافِ	الصَّبَاحِيِّ
و در صبح روز بعد،	سپاس گزاری کرد	مدیر مدرسه	در	صف	صبحگاه (از)
و در صبح روز بعد، مدیر مدرسه در صف صبحگاه قدردانی کرد					

المرافق العامة: تركيب وصفی

سَمِيَّةَ	وَ	فَاطِمَةَ	لِاهْتِمَامِهِمَا	بِالْمُرَافِقِ	الْعَامَّةِ.
سمیه	و	فاطمه	به خاطر توجهشان	به تأسیسات	عمومی.
از سمیه و فاطمه به خاطر توجهشان به تأسیسات (اموال) عمومی.					





و	فِي	حِصَّةِ	الْعُلُومِ	الْإِجْتِمَاعِيَّةِ،	قَامَتْ	رُقِيَّةٌ	وَ	سَأَلَتْ	الْمُدْرِسَةَ:
و	در	زنگ	علوم	اجتماعی،	ایستاد	رقیه	و	پرسید (از)	خانم معلم:

و در زنگ علوم اجتماعی، رقیه ایستاد و از خانم معلم پرسید:

«مَا	الْمَقْصُودُ	بِالْمَرَاقِ	الْعَامَّةِ	الَّتِي	تَكَلَّمْتَ	الْمُدِيرَةَ	عَنْهَا	هَذَا	الصَّبَاحِ؟»
«چیست	مقصود	از تأسیسات	عمومی	که	سخن	گفت	مدیر	درباره‌ی	آن‌ها

«مقصود از تأسیسات عمومی که خانم مدیر امروز صبح در مورد آن سخن گفت، چیست؟»

فَأَجَابَتْ:	«الْمَرَاقِ	الْعَامَّةُ	هِيَ	الْأَمَاكِنُ	الَّتِي
پس پاسخ داد:	«تأسیسات	عمومی	همان	مکان‌هایی	(است) که

پس پاسخ داد: «تأسیسات (اموال) عمومی همان مکان‌هایی است که

تَمْتَلِكُهَا	الدَّوْلَةُ،	وَ	يَنْتَفِعُ	بِهَا	النَّاسُ	جَمِيعاً.
مالک می‌شود آن را	دولت،	و	سود می‌برند	از آن	مردم	همگی.

دولت مالک آن است و مردم همه از آن سود می‌برند.

إِذَا	فَهِمَّتْ	مَعْنَاهَا،	فَأَذْكُرِي	لَنَا	أَمِثْلَهُ	لِلْمَرَاقِ	الْعَامَّةِ.»
اگر	دانستی	معنای آن (را)،	پس ذکر کن	برایمان	مثال‌هایی	در مورد	تأسیسات عمومی.»

اگر (اکنون) معنای آن را فهمیدی، درباره‌ی تأسیسات عمومی نمونه‌هایی را برایمان ذکر کن.»

أَجَابَتْ رُقِيَّةٌ:	«الْمَدَارِسُ	وَ	الْهَوَائِفُ	الْعَامَّةُ	وَ	الْمُسْتَشْفَى	وَ	الْمُسْتَوْصَفَاتُ	وَ	الْمَتَاحِفُ
پاسخ داد رقیه:	«مدرسه‌ها	و	تلفن‌های عمومی	و	بیمارستان‌ها	و	درمانگاه‌ها	و	موزه‌ها	

رقیه جواب داد: «مدرسه‌ها، تلفن‌های همگانی، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، موزه‌ها،

وَ	الْمَكْتَبَاتُ	وَ	دَوَارِثُ	الْمِيَاهِ	وَ	الْحَدَائِقُ	الْعَامَّةُ
و	کتابخانه‌ها	و	سرویس‌های بهداشتی	و	پارک‌ها		

کتابخانه‌ها، سرویس‌های بهداشتی، پارک‌ها،

وَ	الْأَشْجَارُ	عَلَى	الرَّصِيفِ	وَ	أَعْمِدَةُ	الْكَهْرَبَاءِ...»
و	درختان	کنار	پیداده‌رو	و	تیرهای	(چراغ برق ...)

درختانی که کنار پیداده‌رو است، تیرهای (چراغ برق و»

أَجَابَتْ الْمُدْرِسَةُ:	«أَحْسَنْتِ،	وَ	الْحِفَاظُ	عَلَى	هَذِهِ	الْمَرَاقِ	وَاجِبٌ	عَلَى	كُلِّ	مُؤَاطِنٍ.»
پاسخ داد خانم معلم:	«درود بر تو،	و	نگهداری	از	این	تأسیسات	وظیفه	(است)	بر	هر

خانم معلم پاسخ داد: «آفرین بر تو، و نگهداری از این تأسیسات وظیفه‌ی هر شهروندی است.»

سَأَلَتْ	الطَّالِبَاتُ	بِتَعْجَبٍ:	«لِمَ	وَ	كَيْفَ؟! ذَلِكُ	وَاجِبٌ	الدَّوْلَةِ.»
پرسیدند	دانش‌آموزان	با تعجب:	«چرا	و	چگونه؟! آن	وظیفه‌ی	دولت (است).»

دانش‌آموزان با تعجب پرسیدند: «چرا و چگونه؟ آن وظیفه‌ی دولت است.»

عربی (دهم) انسانی

عربی

۳۴





قَامَتْ بِإِطْفَاءِ الْمَكْيِفِ: (ایستاد به خاموش کردن کولر = نادرست / به خاموش کردن کولر اقدام کرد = درست)

قَالَتْ	الْمُدْرَسَةُ:	«بَلْ	هِيَ	مَسْئُولِيَّةٌ	مُشْتَرِكَةٌ.
گفت	معلم:	«بلکه	آن	مسئولیتی	مشترک (است)،
خانم معلم گفت: «بلکه آن مسئولیتی مشترک است.»					

فَسَمِيَّةٌ	الَّتِي	قَامَتْ	بِإِطْفَاءِ	الْمَكْيِفِ	وَالْمَصَابِيحِ	فِي	حُجْرَةِ	الْمُدْرَسَةِ
پس سمیه	که	اقدام کرد	به خاموش کردن	کولر	و چراغها (را)	در	اتاق	مدرسه
پس سمیه که به خاموش کردن کولر و چراغها در اتاق مدرسه پرداخته								

و فَاطِمَةُ	الَّتِي	أَغْلَقَتْ	حَنْفِيَّةَ	الْمَاءِ	وَالطَّالِبَةُ	الَّتِي	تَدَخَّلُ	مَكْتَبَةَ	الْمُدْرَسَةِ،
و فاطمه	که	بست	شیر آب (را)	و دانش آموزی	که	وارد می شود	کتابخانهی	مدرسه،	
و فاطمه که شیر آب را بسته و دانش آموزی که وارد کتابخانهی مدرسه می شود،									

فَتْحَافِظًا	عَلَى	الْهُدُوءِ	فِيهَا	و	عَلَى	نِظَافَةِ	الْكِتَابِ	و	تَرْتِيبِهَا،
پس مراقبت می کند	بر	آرامش	در آن	و	نسبت به	تمیزی	کتابها	و	ترتیب آنها،
و نسبت به آرامش (و سکوت) در آن و تمیزی کتابها و مرتب بودن آنها مواظبت می کند،									

و تِلْكَ	الَّتِي	تَنْصَحُ	مَنْ	يَرِي	النُّفَاتِ
و آن	که	نصیحت می کند	کسی (را) که	می اندازد	زبالهها (را)
و آن کسی که نصیحت می کند (تذکر می دهد) به کسی که زبالهها را پرت می کند،					

فِي	غَيْرِ	مَكَانِهَا	بِكَلَامِ	طَيِّبٍ؛
در	غیر	مکانش	با سخنی	نرم؛
در جایی غیر از جایش با سخنی دلنشین؛				

هُؤُلَاءِ	يَعْمَلْنَ	بِوَجَائِبِهِنَّ	كَمُؤَاطِنَاتٍ	يَشْعُرْنَ	بِالْمَسْئُولِيَّةِ.
اینها	عمل می کنند	به وظایفشان	مانند شهروندانی (که)	احساس	مسئولیت می کنند.
اینها به وظایفشان عمل می کنند، به عنوان شهروندانی که احساس مسئولیت می کنند.					

قَامَتْ	سَمِيَّةٌ	وَ	قَالَتْ:	«أَلَيْسَ	مِنْ	الْمُنَاسِبِ
ایستاد	سمیه	و	گفت:	«آیا نیست	از	شایسته
سمیه ایستاد و گفت: «(حال که این گونه است) آیا مناسب نیست؟!»						

كِتَابَةٌ	لَوْحَةٍ	جِدَارِيَّةٍ	مَكْتُوبٍ	عَلَيْهَا	هَذَا	الْحَدِيثُ	الشَّرِيفُ	عَنْ	أَمِيرِ	الْمُؤْمِنِينَ	عَلِيٍّ
نوشتن	یک تابلوی دیواری	(که) نوشته شده	بر آن	این حدیث	شریف	از	امیر مؤمنان	علی			
نوشتن یک تابلوی دیواری که بر آن این حدیث شریف از امیر مؤمنان علی نوشته شده باشد:											

إِنِّكُمْ	مَسْئُولُونَ	حَتَّى	عَنِ	الْبِقَاعِ	وَ	الْبَهَائِمِ.
قطعاً	شما مسئولید	حتی	در مورد	مکانها	و	چهارپایان.
«قطعاً شما مسئولید حتی در مورد مکانها و چهارپایان.»						





قَبِلْتُ	المُدِيرَةُ	وَ	قَالَتْ:	«هَذَا	الإفْتِرَاحُ	حَسَنٌ،
پذیرفت	مدیر	و	گفت:	«این	پیشنهاد	خوب (است)،
خانم مدیر پذیرفت و گفت: «این پیشنهاد خوب است،						

وَ	سَنَتَعَاوُنُ	جَمِيعاً	عَلَى	الْعَمَلِ	بِهَذَا	الْحَدِيثِ..»
و	همیاری خواهیم کرد	همگی	نسبت به	عمل	به این	حدیث..»
و همگی در عمل به این حدیث شریف (یکدیگر را) یاری خواهیم کرد.»						

★ ترکیباتی، مانند: «دورة المیاه (سرویس بهداشتی)، مُكَيِّفُ الهَوَاءِ (کولر)، حنْفِيَّةُ المَاءِ (شیر آب)، دوام مدرسي (ساعت کار مدرسه)،

مراقب عامة (تأسیسات عمومی) اصطلاح هستند.

● عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- كَانَتْ سَمِيَّةٌ بِانْتِظَارِ والدَتِهَا لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَنْزَلِ.
 - ۲- ذَهَبَتْ الْمُدِيرَةُ نَفْسُهَا لِإِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.
 - ۳- أَخْبَرَتْ سَمِيَّةُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ بِمَا شَاهَدَتْ فِي الْحَجْرَةِ.
 - ۴- الْمَرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ.
 - ۵- شَكَرَتْ الْمُدِيرَةُ فِي الإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ الطَّالِبَاتِ.
- (براساس متن درس، درست و نادرست را مشخص کن.)

- ۱- این عبارت درست است، چرا که در متن آمده است: «كَانَتْ سَمِيَّةٌ بِانْتِظَارِ والدَتِهَا لِلرَّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ.»
- ۲- این عبارت نادرست است، چرا که در متن آمده است: «طَلَبَتْ مِنْ سَمِيَّةَ إِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.»
- ۳- این عبارت درست است، چرا که در متن آمده است: «وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ.»
- ۴- این عبارت نادرست است، چرا که در متن آمده است: «الْمَرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ.»
- ۵- این عبارت نادرست است، چرا که در متن آمده است: «شَكَرَتْ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ فِي الإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سَمِيَّةَ وَ فَاطِمَةَ ...»

عربی (دهم) انسانی



جوارات (في مطار النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

سائحٌ مِنَ الْكُوَيْتِ

وَ عَلَيكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.
 مَسَاءَ النُّورِ يَا غَزِيذِي.
 لا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتَ مِنَ بَاكِسْتَانِ؟
 جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَ كَمْ مَرَّةً جِئْتُ أَنْتَ؟
 كَمْ عُمْرُكَ؟
 مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟
 مَا أَجْمَلُ غَايَاتِ مازندران وَ طَبِيعَتِهَا!
 نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الإمامِ الرُّضَا، ثَابِتِ أَمْنِنَا اللَّهُ.
 إِنَّ إِيْرَانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جِدًّا، وَ الشَّعْبُ الْإِيْرَانِيُّ
 شَعْبٌ مِضْيَافٌ.

سائحٌ مِنَ إِيْرَانِ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
 مَسَاءَ الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي.
 هَلْ حَضَرْتِكَ مِنَ الْعِرَاقِ؟
 لا؛ أَنَا إِيْرَانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتُ لِلزِّيَارَةِ؟
 أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
 عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا.
 أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جَوِيْبَارِ فِي مُحَافَظَةِ مازندران.
 هَلْ ذَهَبْتُ إِلَى إِيْرَانِ مِنْ قَبْلِ؟
 كَيْفَ وَجَدْتُ إِيْرَانَ؟





گفت و گوها (در فرودگاه نجف اشرف)

گردشگری (زائری) از کویت

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو.
شب به خیر عزیز من.
نه، من کویتی هستم. آیا تو پاکستانی هستی؟
من برای بار اوله اومدم؛ و تو چند بار آمدی؟
چند سال داری؟
اهل کدوم شهر (ایران) هستی؟
چه قدر جنگل‌های مازندران و طبیعتش قشنگن!
بله؛ برای زیارت امام رضا علیه السلام هشتمین اماممان رفتیم.
ایران کشور بسیار زیباییه، و ملت ایران مردمی مهمان‌دوست هستند.

گردشگری (زائری) از ایران

سلام بر شما.
شب به خیر ای دوست من.
آیا جنابعالی عراقی هستی؟
نه، من ایرانی هستم. چند بار به زیارت اومدی؟
من بار دومه که اومدم.
من شانزده سال دارم.
من از شهر جویبار در استان مازندران هستم.
آیا قبلاً به ایران رفتی؟
ایران رو چه‌طور دیدی؟

تمرین

الْتَمْرِيْنُ الْاَوَّلُ: اِقْرَأِ الْاَيَاتِ الْتَالِيَةَ، ثُمَّ تَرْجِمْهَا. (آیات زیر را بخوان، سپس آن‌ها را ترجمه کن.)

۱- ﴿... سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةَ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ... وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ...﴾

«الْكَهْف: ۲۲»

۲- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ زَائِتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ...﴾

«يُوسُف: ۴»

۳- ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً لِئِي نَعَجَةً وَاحِدَةً...﴾

«ص: ۲۳»

۴- ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾

«النحل: ۵۱»

۵- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَالِهَا...﴾

«الأنعام: ۱۶۰»

الْتَمْرِيْنُ الثَّانِي: اِحْبَبْ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَائِيَّةِ الْتَالِيَةِ كَالْمِثَالِ. (به عملیات حسابی زیر، مانند مثال پاسخ بده.)

(+ زائد) (- ناقص) (÷ تقسیم علی) (× ضرب فی)

۱- عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ. $10 \times 3 = 30$

۲- تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

۳- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عَشْرِينَ.

۴- سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةٌ وَسِتِّينَ.

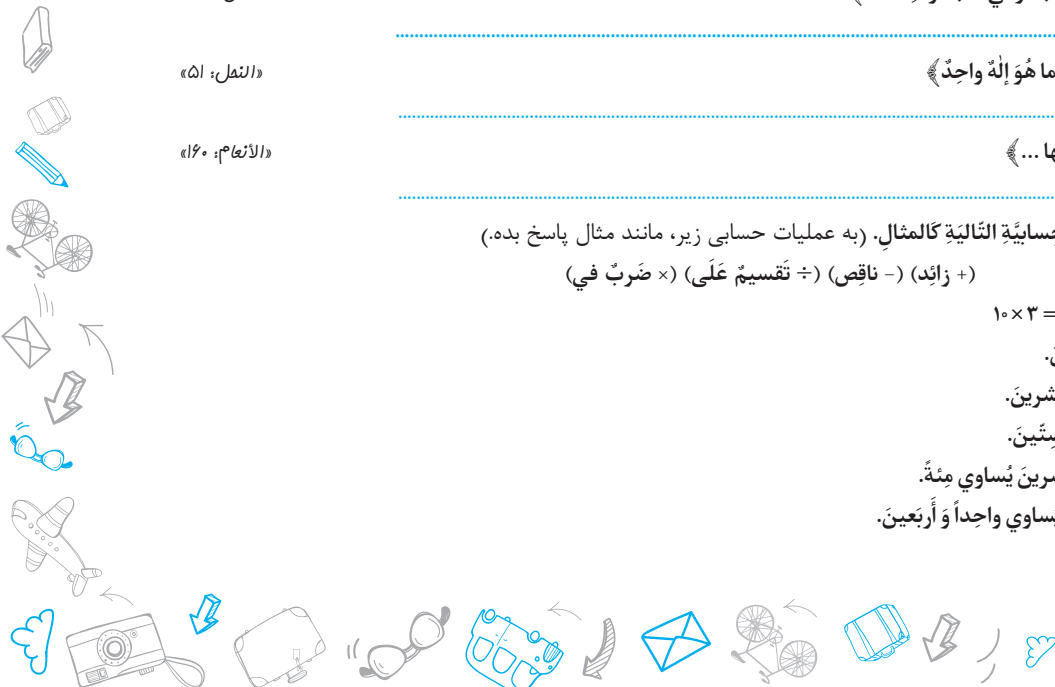
۵- خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةٍ وَ عَشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةٌ.

۶- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ اَرْبَعِينَ.



خبر

۳۷





التمرين الثالث: اكتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً. (عددهای ترتیبی مناسب را در جای خالی بنویس.)

- ١- ألبوم ال..... من أيام الأسبوع يوم الأحد.
 - ٢- ألبوم ال..... من أيام الأسبوع يوم الخميس.
 - ٣- الفصل الرابع في السنة الإيرانية فصل ال.....
 - ٤- الفصل ال..... في السنة الإيرانية فصل الحريف.
 - ٥- يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية و الفائز ال..... جائزة فضية.
- التمرين الرابع:** ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة» (عدد مناسب را در دایره قرار بده. یک کلمه اضافی است.)

- ١- النشاط إعطاء حل و بيان طريقة للقيام بعمل.
- ٢- الدوام آلة لنقل الأصوات من مكان إلى آخر.
- ٣- الحصّة ساعات العمل للموظفين و العمال.
- ٤- الهاتف أنبوب لفتح تيار الماء و إغلاقه.
- ٥- الإقتراح القيام بعمل يتحرك و سرعة.
- ٦- الخنيفة

التمرين الخامس: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. «كلمات زائدة» (از کلمه‌های زیر، کلمه‌ی مناسب را در جای خالی قرار بده. دو کلمه اضافی است.)

زصيف / الهدوء / خمسين / عميدة / اخبرونا / مضياف / حجرة / يملك / فرغت

«الغلبوت: ١٣»

- ١- ﴿و لقد أرسلنا نوحاً إلى قومه فلبث فيهم ألف سنة إلا عاماً﴾
- ٢- علينا بالعبور من إلى زصيف آخر من ممر المشاة.
- ٣- سافرنا إلى قرية، لأننا بحاجة إلى
- ٤- الجيران بما حدث في الشارع.
- ٥- أنزل العامل البضائع فد..... السيارة.
- ٦- هل أبوك أرضاً في القرية؟
- ٧- ليست في الفندق فارغة.

التمرين السادس: ضع في الفراغ الضمير المناسب، ثم ترجم الجمل. (ضمير مناسب را در جای خالی قرار بده، سپس جمله‌ها را ترجمه کن.)

أنا / أنت / أت / هو، هي / نحن / أنتم، أنتن، أنتم / هم، هن، هما

١- ما وضعوا	٢- لا يصرخون	٣- كانتا تنصحن
٤- اكشفوا	٥- ما علمنا	٦- تطبعين
٧- لا أنسى	٨- ستزولون	٩- وصلتن
١٠- لا تكتم	١١- عطرت	١٢- لا تندمن
١٣- سيمضي	١٤- سوف يقوم	١٥- ما وقعت
١٦- كانوا يقذفون	١٧- طلبت	١٨- لا تطردوا



التمرين السابع: ترجم العبارات التالية. هل تعلم أن ... (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.) آیا می‌دانی که ...

- ١- ... أكبر عنكبوت تعيش في البرازيل ووزنها مئة و سبعون غراماً؟ (غرام: گرم)
- ٢- ... الكلب يقدر على سماع صوت الساعة على بعد أربعين قدماً؟
- ٣- ... النملة تقدر على حمل شيء يفوق وزنها خمسين مرة؟
- ٤- ... الغراب يعيش عشرين سنة إلى ثلاثين أو أكثر؟
- ٥- ... ثمانين في المئة من موجودات العالم حشرات؟
- ٦- ... طول قامة الزرافة بيئة أمتار؟ (أمتار: جمع متر)





النَّيْمَرِيْنَ الثَّامِنُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (كدام کلمه از کلمات واژه‌نامه با توضیحات زیر مناسب است؟)

- ۱- مِنَ الْمَرَاقِقِ الْعَامَّةِ فِي الْخُدَائِقِ لِيُغْسَلَ الْأَيْدِي.
- ۲- نَقَوْلُهُ عِنْدَ تَشْجِيعِ الَّذِي أَحْسَنَ عَمَلًا.
- ۳- الْقِيَامُ فِي صُفُوفِ الْمَدْرَسَةِ فِي الصَّبَاحِ.
- ۴- صَارَ الشَّيْءُ مِلْكَةً يَفْعَلُ بِهِ مَا يَشَاءُ.
- ۵- الَّذِي يَعِيشُ مَعَنَا فِي وَطَنٍ وَاحِدٍ.
- ۶- الْقِيَامُ بِالنَّيْمَرِيْنَ وَالنَّشَاطِ.

النَّيْمَرِيْنَ التَّاسِعُ: عَيِّنِ الْعَدَدَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ. (عدد درست را برای جای خالی مشخص کن.)

- | | | | |
|--|--|-------------------------------------|------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ۱- لِلْفَائِزِ | <input type="checkbox"/> جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ وَ لِلْفَائِزِ الثَّانِي جَائِزَةٌ فَضِيَّةٌ. | <input type="checkbox"/> واحدة | <input type="checkbox"/> الأوَّل |
| <input type="checkbox"/> ۲- فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ وَقَفْنَا فِي | صُفُوفٍ. | <input type="checkbox"/> عَشْرَةٌ | <input type="checkbox"/> العَاشِرِ |
| <input type="checkbox"/> ۳- النَّافِذَةُ | مِن نَوَافِذِ الْمَدْرَسَةِ مَفْتُوحَةً. | <input type="checkbox"/> واحداً | <input type="checkbox"/> الأوَّلَى |
| <input type="checkbox"/> ۴- تَيَّازُ الْكَهْرَبَاءِ فِي | حُجْرَاتِ مَقْطُوعٍ. | <input type="checkbox"/> الرَّابِعِ | <input type="checkbox"/> أَرْبَعِ |
| <input type="checkbox"/> ۵- لِي أَخُوَانِ اثْنَانِ وَ أَخْتَانِ | | <input type="checkbox"/> اثْنَتَانِ | <input type="checkbox"/> واحِدِ |

النَّيْمَرِيْنَ الْعَاشِرُ: عَيِّنِ الْمَعْدُودَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ. (معدود درست را برای جای خالی مشخص کن.)

- | | | | |
|--|---|---------------------------------------|---------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ۱- يَلْعَبُ أَحَدُ عَشْرٍ | فِي فَرِيقِ كُرَّةِ الْقَدَمِ. | <input type="checkbox"/> لَاعِبِيْنَ | <input type="checkbox"/> لاعِباً |
| <input type="checkbox"/> ۲- أَرْبَعَةٌ | وَاقِفُونَ أَمَامَ بَابِ الْمُنْتَظَمَةِ. | <input type="checkbox"/> جُنُودٍ | <input type="checkbox"/> جُنُودِيٌّ |
| <input type="checkbox"/> ۳- | اثْنَانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرْيَخِ. | <input type="checkbox"/> قَمَرَانِ | <input type="checkbox"/> أَقْمَارٌ |
| <input type="checkbox"/> ۴- | وَاحِدَةٌ فِي الْخَدِيقَةِ مَعْلَقَةٌ. | <input type="checkbox"/> أَنْبُوبَةٌ | <input type="checkbox"/> أَنْبِيبٌ |
| <input type="checkbox"/> ۵- فِي مَدْرَسَتِنَا عَشْرَةٌ | | <input type="checkbox"/> مُكَيِّفَاتٌ | <input type="checkbox"/> مُكَيِّفَاتٍ |

پاسخ‌تمرین اول

۱- ... خواهند گفت: آن‌ها سه نفر بودند که چهارمین‌شان سگشان بود و (گروهی) می‌گویند: پنج نفر بودند که ششمین آن‌ها سگشان بود. و (گروهی) می‌گویند: آن‌ها هفت نفر بودند و هشتمین آن‌ها سگشان بود. (ای رسول ما به آن‌ها) بگو: پروردگار من از تعداد آن‌ها آگاه‌تر است، تنها افراد کمی تعداد آن‌ها را می‌دانند ...

★ اگر عدد بر وزن «فاعل» بیاید، عدد ترتیبی است؛ مانند «رابعُهُم» یعنی چهارمین‌شان و سادسُهُم، ثامنُهُم (ششمین آن‌ها، هشتمین آن‌ها)

۲- همانا من در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم که در برابر من سجده می‌کنند.

★ «أَحَدُ عَشْرٍ» یعنی «یازده» بعد از آن معدود مفرد آمده است «کوکباً».

۳- بی‌شک این برادر من است که نود و نه می‌شمارد و من یک می‌شمارم.

★ «تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ» یعنی «نود و نه» بعد از آن معدود مفرد آمده است «نَعْبَةٌ».

۴- خداوند فرمود: دو معبود (برای خود) نگیرید، او تنها معبود یگانه است.

۵- هر کس (کار) نیکی را بیاورد، ده برابر آن (پاداش) دارد.

★ ① در این آیه‌ی شریفه فعل «جاء» با حرف اضافه‌ی «ب» ترجمه می‌شود. «جاء ب: آورد، بیاورد» ② معدود عدد «عَشْرٌ: ده» جمع و مضاف‌الیه می‌آید: «أمثال»

پاسخ‌تمرین دوم

$$100 \div 5 = 20 - 3$$

$$90 - 10 = 80 - 2$$

$$10 \times 3 = 30 - 1$$

$$82 \div 2 = 41 - 6$$

$$75 + 25 = 100 - 5$$

$$6 \times 11 = 66 - 4$$

پاسخ‌تمرین سوم

۱- اليوم الثاني من أيام الأسبوع يوم الأحد. (روز دوم از روزهای هفته یکشنبه است.)

۲- اليوم السادس من أيام الأسبوع يوم الخميس. (روز ششم از روزهای هفته پنجشنبه است.)

۳- الفصل الرابع في السنة الإيرانية فصل الشتاء. (فصل چهارم در سال ایرانی فصل زمستان است.)





۴- الفصل الثالث في السنة الإيرانية فصل الخريف. (فصل سوم در سال ایرانی فصل پاییز است).

۵- يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية و الفائز الثاني جائزة فضيَّة. (برنده اول جایزه طلائی و برنده دوم جایزه نقره‌ای می‌گیرد).

پاسخ تمرین چهارم

۱- اَلنَّشَاطُ / اَلْقِيَامُ بِعَمَلٍ يَتَحَرَّكُ وَ سُرْعَةٍ. (فعالیت، پرداختن به کاری با تحرک و سرعت است).

★ «اَلْقِيَامُ بِ» انجام‌دادن، پرداختن «واژهی «اَلْقِيَامُ» با حرف اضافه‌ی «ب» آمده است.

۲- اَلدَّوَامُ / سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمُوظَّفِينَ وَ الْعَمَالِ. ساعت کار، ساعت‌های کار کارمندان و کارگران است.

۳- اَلْحَصَّةُ: زنگ درس (کلمه‌ی اضافه)

۴- اَلْهَاتِفُ / آلَةٌ لِتَنْقُلِ الْأَصْوَاتَ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ. (تلفن / ابزاری است برای انتقال صداها از مکانی به مکانی دیگر).

۵- اَلْاِقْتِرَاحُ / إعطاءُ حَلٍّ وَ بَيَانُ طَرِيقَةٍ لِلْقِيَامِ بِعَمَلٍ. (پیشنهاد / دادن راه حل و روشن کردن راهی است برای انجام عمل).

۶- اَلْخَنْفِيَّةُ / أَنْبُوتٌ لِفَتْحِ تَيَّارِ الْمَاءِ وَ إِغْلَاقِهِ. (شیر / لوله‌ای است برای بازکردن جریان آب و بستن آن).

پاسخ تمرین پنجم

۱- «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» (و ما نوح را به سوی قومش فرستاده‌ایم، پس او در میان آن‌ها هزار سال

به جز پنجاه سال (۹۵۰ سال) درنگ کرد).

۲- عَلَيْنَا بِالْمَبُورِ مِنْ رَصِيفٍ إِلَى رَصِيفٍ آخَرَ مِنْ مَمَرِ الْمَشَاةِ. (ما باید از طریق گذرگاه عابر پیاده از پیاده‌روی به پیاده‌رو دیگر عبور کنیم).

۳- سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ، لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى الْهَدُوءِ. (ما به روستایی مسافرت کردیم، زیرا ما به آرامش نیازمندیم).

۴- اَلْجَبْرَانُ أَخْبَرُونَا بِمَا حَدَّثَ فِي الشَّارِعِ. (همسایه‌ها به ما خبر دادند در مورد آن چه که در خیابان اتفاق افتاد).

۵- أُنزِلَ الْعَامِلُ الْبِضَاعَ فَفَرَعَتِ السِّيَّارَةُ. (کارگر کالاها را پیاده کرد و ماشین خالی شد).

۶- هَلْ يَمْتَلِكُ أَبُوكَ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ؟ (آیا پدرت مالک زمینی در روستا است؟)

۷- لَيْسَتْ فِي الْفُنْدُقِ حُجْرَةٌ فَارِغَةٌ. (در هتل اتاقی خالی نیست).

واژه‌های اضافی: أعمدة (جمع مکسر «عمود»): ستون‌ها / مضياف: مهمان‌نواز

پاسخ تمرین ششم

۲- هُمْ لَا يَصْرُخُونَ: آن‌ها فریاد نمی‌زنند / فعل مضارع منفی

۴- اِكْشِفُوا أَنْثَم: شما آشکار کنید / فعل امر

۶- أَنْتِ تَطْبَعِينَ: تو چاپ می‌کنی / فعل مضارع

۸- أَنْتُمْ سَتَنْزِلُونَ: شما پایین خواهید آمد / فعل مستقبل (آینده)

۱۰- لَا تَكْتُمُ أَنْتِ: تو پنهان نکن / فعل نهی

★ «نم» در آخر این فعل ضمیر نیست، بلکه جزء حروف اصلی فعل است: (ک ت م) ← كَتَمَ (ماضی)، يَكْتُمُ (مضارع)، لَا تَكْتُمُ (نهی)

۱۲- أَنْتَنْ لَا تَنْدَمَنْ: شما پشیمان نمی‌شوید / فعل مضارع منفی

۱۴- هُوَ سَوْفَ يَقُومُ: او خواهد ایستاد / فعل مستقبل (آینده)

۱۶- هُمْ كَانُوا يَقْدِفُونَ: آن‌ها می‌انداختند / فعل ماضی استمراری

۱۸- لَا تَطْرُدُوا أَنْتُمْ: شما (با تندی) نرانید / فعل نهی

۱- هُمْ مَا وَضَعُوا: آن‌ها گذاشتند (قرار ندادند) / فعل ماضی منفی

۳- هُمَا كَانَتَا تَنْصَحَانِ: آن‌ها پند می‌دادند / فعل ماضی استمراری

۵- نَحْنُ مَا عَلِمْنَا: ما ندانستیم / فعل ماضی منفی

۷- أَنَا لَا أَنْسِي: من فراموش نمی‌کنم / فعل مضارع منفی

۹- أَنْتَنْ وَصَلْتَنْ: شما رسیدید / فعل ماضی

★ «نم» در آخر این فعل ضمیر نیست، بلکه جزء حروف اصلی فعل است: (ک ت م) ← كَتَمَ (ماضی)، يَكْتُمُ (مضارع)، لَا تَكْتُمُ (نهی)

۱۱- أَنْتِ عَطَّرْتِ: تو عطر زدی / فعل ماضی

۱۳- هُوَ سَبِمَضِي: او خواهد گذشت / فعل مستقبل (آینده)

۱۵- هِيَ مَا وَقَعَتْ: او نیفتاد / فعل ماضی منفی

۱۷- أَنَا طَلَبْتُ: من طلب کردم / فعل ماضی

① اگر حرف «ما» بر سر فعل ماضی بیاید، فعل ماضی، منفی می‌شود؛ مانند فعل در شماره‌های ۱، ۵ و ۱۵

② اگر حرف «لا» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل یا نهی است یا مضارع منفی.

الف) اگر حرکت آخر مضارع ساکن باشد یا نون آخر آن حذف شده باشد، نهی است؛ مانند فعل در شماره‌های ۱۰ و ۱۸

ب) اگر حرکت آخر مضارع ُ باشد یا نون در آخر آن باشد، فعل مضارع منفی است؛ مانند فعل در شماره‌های ۲ و ۷





پاسخ تمرین هفتم

۱- ... بزرگ‌ترین عنکبوت در (کشور) برزیل زندگی می‌کند و وزنش صد و هفتاد گرم است؟

گرام = gram = غرام = گرم

۲- ... سگ می‌تواند صدای ساعت را از فاصله‌ی چهل قدم بشنود؟

۳- ... مورچه می‌تواند چیزی را حمل کند که وزنش پنجاه برابر (از خودش) سنگین‌تر باشد؟

۴- ... کلاغ بیست تا سی سال یا بیشتر زندگی می‌کند؟

۵- ... هشتاد درصد از موجودات جهان حشرات هستند؟

۶- ... طول قد زرافه شش متر است؟



۱ فعل «قَدَر» با حرف اضافه‌ی «عَلَى» به کار می‌رود (قَدَرْتُ عَلَى ... / يَقْدِرُ عَلَى ...) مانند آن چه که در جمله‌های شماره‌ی ۲ و ۳ آمده است.

(الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ ... / النَّمْلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ ... می‌تواند ...)

۲ یک بار دیگر به ترجمه‌ی اعداد در جمله‌ها دقت نمایید:

أَرْبَعِينَ قَدَمًا: چهل قدم

عَشْرِينَ سَنَةً: بیست سال

ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ: هشتاد درصد (۸۰٪)

مِئَةٌ وَسَبْعُونَ غَرَامًا: صد و هفتاد گرم

خَمْسِينَ مَوْزَةً: پنجاه برابر

ثَلَاثِينَ سَنَةً: سی سال

سِتَّةَ أمتار: شش متر

۳ اگر بخواهیم در زبان عربی عدد را به صورت درصد بگوییم، از این فرمول استفاده می‌کنیم:

عدد + فِي الْمِئَةِ

عشرون فِي الْمِئَةِ ← ۲۰٪

أحدٌ وَخَمْسُونَ فِي الْمِئَةِ ← ۵۱٪

سبعٌ فِي الْمِئَةِ ← ۷٪

پاسخ تمرین هشتم

۱- از تأسیسات عمومی در باغ‌ها (پارک‌ها) برای شستن دست‌ها ← حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ (شیر آب)

۲- به هنگام تشویق کسی که کاری را نیکو انجام داده است آن را می‌گوییم. ← أَحْسَنْتَ، أَحْسَنْتِ (آفرین بر تو)

۳- ایستادن در صفا‌های مدرسه در صبح ← إِصْطِفَافٌ صَبَاحِيٌّ (صف صبحگاه)

۴- چیزی که مِلْک او شده است و نسبت به آن همان‌طور که می‌خواهد انجام می‌دهد ← اِمْتَلَكْتُ (ماضی)، يَمْتَلِكُ (مضارع)، اِمْتَلَاكٌ (مصدر)

(مالک شد، مالک می‌شود، مالک‌شدن)

۵- کسی که در یک سرزمین با ما زندگی می‌کند ← الْمَوَاطِن (شهروند، هم‌میهن)

۶- اقدام به تمرین و فعالیت‌کردن ← الْمُمَارَسَةُ (تمرین‌کردن، انجام‌دادن)

پاسخ تمرین نهم

۱- برنده‌ی اول (الأوَّل) جایزه‌ی طلایی و برنده‌ی دوم جایزه‌ی نقره‌ای دارد.

دلیل: چون «الفَائِز» مذکر است، عدد بعد از آن که صفت است نیز مذکر می‌آید «الأوَّل».

۲- در صف صبحگاه در ده «عَشْرَةٌ» ردیف (صف) ایستادیم.

دلیل: چون بعد از عدد، اسم به صورت جمع آمده است «صُفُوفٍ» باید عدد اصلی ۳ تا ۱۰ باشد «عَشْرَةٌ».

۳- پنجره‌ی اول «الأوَّلِي» از پنجره‌های مدرسه باز است.

دلیل: چون «النَّافِذَةُ» مؤنث است، عدد بعد از آن نیز مؤنث می‌آید و صفت آن «الأوَّلِي» است.

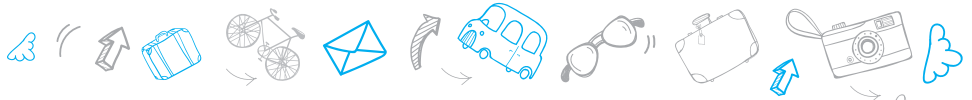
۴- جریان برق در چهار «أَرْبَع» اتاق قطع شده است.

دلیل: چون معدود جمع آمده است «خُجْرَاتٍ»، عدد اصلی می‌آید (نه ترتیبی) (أَرْبَع).

۵- من دو برادر و دو خواهر (اِثْنَتَانِ) دارم.

دلیل: چون معدود که اول آمده مثنی و مؤنث است، عدد که صفت آن است نیز مثنی و مؤنث می‌آید (اِثْنَتَانِ).





پاسخ تمرین دهم

- ۱- یازده بازیکن (لاعباً) در تیم فوتبال بازی می‌کنند.
دلیل: معدود عدد ۱۱ مفرد می‌آید.
- ۲- چهار سرباز (جُنُود) جلوی در سازمان ایستاده‌اند.
دلیل: معدود عدد ۳ تا ۱۰ جمع می‌آید و مضاف‌الیه. عدد «أربعة» + جنود (جمع و مضاف‌الیه)
- ۳- دو ماه (قمران) دور سیاره‌ی مریخ هستند.
دلیل: چون عدد «اثنان» آمده به معنی «دو» و صفت است، معدود (موصوف) نیز مثنی می‌آید (قمران).
- ۴- یک لوله (أنبوثة) در باغ بسته شده است.
دلیل: چون عدد «واحدة» مفرد و مؤنث آمده و صفت است، معدود (موصوف) نیز مفرد مؤنث می‌آید (أنبوثة).
- ۵- در مدرسه‌ی ما ده کولر (مُكَيِّفَات) وجود دارد.
دلیل: معدود عدد ۳ تا ۱۰ جمع و مضاف‌الیه می‌آید و چون عدد ده است (عَشْرَة) معدود جمع می‌آید (مُكَيِّفَات).

واژه‌شناسی

فعل

أَحْسَنَ (يُحْسِنُ إِحْسَانًا): نیکی کرد	اتَّخَذَ (يَتَّخِذُ، اتَّخَذَ): گرفت
أَحْسَنَتْ: آفرین بر تو / یک جمله‌ی دعایی است و از فعل و فاعل تشکیل شده است.	أَخْبَرَ (يُخْبِرُ إِخْبَارًا): خبر داد
أَغْلَقَ (يُغْلِقُ إِغْلَاقًا): بست	إِثْمَلَكَ (يَمْتَلِكُ إِثْمَالًا): مالک شد
إِنْتَفَعَ (يُنْتَفِعُ إِنْتِفَاعًا): سود برد	تَعَاوَنَ (يَتَعَاوَنُ تَعَاوُنًا): همیاری کرد
حَافِظٌ (يُحَافِظُ مُحَافِظَةً): نگه‌داری کرد	رَمَى (يُرْمِي رِمَايَةً): پرت کرد، تیر انداخت
ساوِی (يُسَاوِي مُساوَاةً): برابر است	فَرَّغَ (يُفْرِغُ فَرَاغًا): خالی شد
فَاقَ (يَقُوقُ فَوْقًا): برتری یافت	قامَ (يَقُومُ قِيَامًا): برخاست، ایستاد
قام بِ: اقدام کرد، پرداخت، انجام داد (فعل + حرف اضافه)	لَبِثَ (يَلْبِثُ لَبِثًا): ماند، اقامت کرد
ما أَجْمَلُ: چه زیباست / یک جمله‌ی تعجبی است.	مارَسَ (يُمَارِسُ مُمارِسةً): تمرین کرد، انجام داد
نَصَحَ (يُنصَحُ نَصْحًا): پند داد	

اسم

إِطْفَاءٌ: خاموش کردن / مفرد مذکر، مصدر	إِصْطِفَافٌ صَبَاحِيٌّ: صف صبحگاه / دارای ترکیب وصفی
إِقْتِرَاحٌ: پیشنهاد / مفرد مذکر، مصدر	أَعْمِدَةٌ: ستون‌ها، جمع مکسر، مفرد آن: عمود
أَنْبِوْثَةٌ: لوله / جمع آن: أنابيب	أَمْتَارٌ: مترها / مفرد آن: متر
بِهَائِمٌ: چهارپایان (به‌جز درندگان)، جمع مکسر، مفرد آن: بهيمة / درندگان: سباع، مفرد آن: سبُع	بِقَاعٌ: قطعه‌های زمین، جمع مکسر، مفرد آن: بَقْعَةٌ
تِيَارٌ: جریان / مفرد مذکر، بر وزن «فَعَال»	حُجْرَاتٌ: اتاق‌ها، جمع مؤنث سالم، مفرد آن: حُجْرَةٌ
حُرٌّ: آزاد / مفرد مذکر	حِصَّةٌ: زنگ درسی، بخش، قسمت / مفرد مؤنث
	حِفَاظٌ عَلَيَّ: نگه‌داری کردن از / مفرد مذکر، مصدر، با حرف اضافه‌ی «عَلَيَّ» می‌آید.
	حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ: شیر آب / اسم اول مؤنث و اسم دوم مذکر، دارای ترکیب اضافی
	دَوَامٌ: ساعت کار
	دَوَامٌ مَدْرَسِيٌّ: ساعت کار مدرسه / هر دو اسم مفرد مذکر، دارای ترکیب وصفی
	دَوْرَةُ الْمِيَاهِ: سرویس بهداشتی / اولی اسم مفرد مؤنث و دومی جمع مکسر (مفرد آن: ماء) / دارای ترکیب اضافی
سَاحِجٌ: گردشگر / جمع آن: سائحون، سائحين، سباح	زائد: به اضافه‌ی (+) / مفرد مذکر
خَمْسِيْنٌ ضِعْفًا: پنجاه برابر	ضِعْفٌ: برابر / مفرد مذکر
غِرامٌ: گرم	عِنْدَتِي: در آن هنگام، قید زمان
	فارِغٌ: خالی / مفرد مذکر



مَرَافِقٌ عَامَّةٌ: تأسیسات عمومی / اسم اول جمع مکسر (مفرد آن: مَرْفِقٌ) و اسم دوم مفرد مؤنث، ترکیب وصفی دارند.

★ واژه‌ی «مَرَافِق» با واژه‌ی «مَرَافِق» به معنی «همراه» اشتباه نشود.

مِضِیَاف: مهمان نواز / مفرد مذکر

★ این واژه از واژه‌ی «ضِیْف» به معنی «مهمان» ساخته شده است.

مُعْلَقٌ: بسته شده / مفرد مذکر، اسم مفعول

مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ: هر دو اسم مفرد مذکر هستند و ترکیب اضافی دارند (مضاف + مضاف‌الیه) واژه‌ی «مُكَيِّف» به معنی «تغییردهنده» و «کیفیت‌دهنده» است که مقصود «کولر» است.

مُوَاطِنٌ: شهروند، هم‌میهن / مفرد مذکر

ناقص: منه‌ای (-)

نُفَایَاتٌ: زباله‌ها / جمع مؤنث سالم، مفرد آن: نُفَایَة

نَشَاطٌ: فعالیت / مفرد مذکر

هَوَاتِفٌ: تلفن‌ها / جمع مکسر، مفرد آن: هَاتِف

هَدُوءٌ: آرامش / مفرد مذکر، مصدر

أَحْبَرَ (= أَعْلَمَ)	حَافِظٌ (= رَاقِبٌ)	وَجَدَ (= عَلِمَ)	وَاجِبٌ (= صَرُورِيٌّ)	حَدِيقَةٌ (= بُسْتَانٌ)
بِهَائِمٌ (= أَنْعَامٌ)	حُجْرَاتٌ (= عُرْفَاتٌ)	الثَّالِي (= الْقَادِمٌ)	طَيِّبٌ (= جَيِّدٌ)	عَامٌ (= سَنَةٌ)
بِقَاعٌ (= أَمْكِنَةٌ)	رَمَى (= قَذَفَ)	إِهْتِمَامٌ (= عِنَايَةٌ)	وَاجِبَاتٌ (= وَطَائِفٌ)	جَاءَ (= أَتَى)
تَعَاوَنٌ (= سَاعَدَ)	عِنْدَنْدٍ (= حَيْثَنْدٍ)	مَقْصُودٌ (= هَدَفٌ، غَايَةٌ)	حَسَنٌ (= جَيِّدٌ)	إِحْتِرَامٌ (= إِكْرَامٌ)
لَبِثٌ (= بَقِيَ)	زُجُوعٌ (= عَوُدٌ)	تَكَلَّمَ (= حَدَّثَ)	حَدِيثٌ (= كَلَامٌ)	جَوَائِزٌ (= هَدَايَا)
وَالِدَةٌ (= أُمٌّ)	ظَنَّ (= تَصَوَّرَ)	طَرِيقٌ (= سَبِيلٌ)	وَالِدٌ (= أَبٌ)	صَارَ (= أَصْبَحَ)

تغییر

أَحْسَنَ (= أَسَاءَ)	قَامَ (= جَلَسَ)	صَغِيرٌ (= كَبِيرٌ)	مُشَاةٌ (= رَاكِبُونَ)	جَاءَ (= ذَهَبَ)
إِطْفَاءٌ (= إِذَاةٌ)	مُعْلَقٌ (= مَفْتُوحٌ)	بَارِدٌ (= حَارٌّ)	أَنْسَى (= أَدْكُرُ)	فَرَعٌ (= ائْتَمَلُ)
أَعْلَقَ (= فَتَحَ)	إِنْتِهَاءٌ (= اِبْتِدَاءٌ)	فَانِزُونَ (= مُنْهَزِمُونَ)	لَا تَكْتُمُ (= لَا تَنْظُرُ)	حَسَنَةٌ (= سَيِّئَةٌ)
إِنْتَفَعَ (= تَضَرَّرَ)	قَلِيلٌ (= كَثِيرٌ)	إِسْتَلَمَ (= أَعْطَى)	تَعَيْشٌ (= تَمَوْتُ)	مُشْتَرِكَةٌ (= خَاصَّةٌ)
حَزٌّ (= عَبْدٌ)	الثَّالِي (= الْمَاضِي)	حَقٌّ (= بَاطِلٌ)	أَمَامٌ (= خَلْفٌ)	فَارِغٌ (= مَمْلُوءٌ)
زَائِدٌ (= نَاقِصٌ)	سَأَلَ (= أَجَابَ)	مَسَاءٌ (= صَبَاحٌ)	نَشَاطٌ (= كَسَلٌ)	

مضارع

سولهای امتحانی



كَمُلْ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

۱- في صباح اليوم التالي، شكرت مديرة المدرسة في الاصطفاف الصباحي فاطمة.

در صبح روز بعد، مدیر مدرسه

۲- وجدت سميّة الحجرة فارغة ثم حاولت فتح الباب.

سمیه دید که اتاق

۳- إنكم مسؤولون حتى عن البقاع والبهائم.

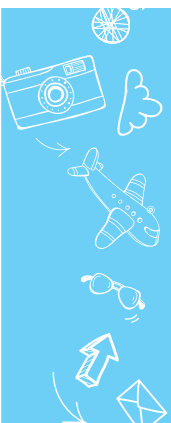
قطعا شما حتی در مورد

۴- هذا الاقتراح حسنٌ وستعاون جميعاً على العمل بهذا الحديث.

این خوب است و ما همگی

۵- كانت التلميذة بانتظار والدها للرجوع إلى البيت بعد انتهاء الدوام المدرسي.

دانش‌آموز منتظر پدرش بود برای



اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّن ترجمتها الصحيحة.

۶- كانت حُجرات المدرسة مُغلقة.

الف) در اتاق مدرسه را بست.

ب) اتاق‌های مدرسه باز بود.

ج) اتاق‌های مدرسه بسته بود.

۷- سَمِعَت سَمِيَّةٌ وَ زَمِيلاتُهَا صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ.

الف) سمیه و هم‌کلاسی‌هایش صدای شیر آب را از سرویس بهداشتی شنیدند.

ب) سمیه و هم‌کلاسی‌هایش صدای کولر را از یکی از اتاق‌ها شنیدند.

ج) سمیه و دوستانش صدای کولر را از یکی از سرویس‌ها شنیدند.

۸- الْجَفَاظُ عَلَيَّ الْمَرَّاقِ الْعَامَّةِ وَاجِبٌ عَلَيَّ كُلِّ مُوَاطِنٍ.

الف) حفاظت از اموال عمومی کشور بر هر هم‌میهنی لازم است.

ب) نگهداری از تأسیسات عمومی بر هر شهروندی لازم است.

ج) نگهداری از عموم مردم بر هر دولتمردی لازم است.

۹- التَّلْمِيذُ مَا أَغْلَقَ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ أَمْسٍ.

الف) دیروز دانش‌آموز شیر آب را نبست.

ب) دیروز دانش‌آموز آب آلوده را بیرون برد.

ج) دانش‌آموز شیر آب را به خوبی بست.

۱۰- الْمُدْرَسَةُ تَنْصَحُ التَّلْمِيذَاتِ أَنْ لَا يَرْمِينَ النِّفَايَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا.

الف) خانم معلم به دانش‌آموزان نصیحت می‌کند که زباله‌ها را در غیر مکانش پرت نکنند.

ب) خانم معلم به دانش‌آموزانش نصیحت کرد که زباله‌ها را در غیر مکانش پرت نکنند.

ج) خانم معلم از دانش‌آموزان دلیل پرت کردن زباله را به سطل آشغال پرسید.

ترجم العبارات التالية ثم عَيِّن نوع الأفعال فيها.

۱۱- ما بَقِيَ فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَّا جَمْعٌ قَلِيلٌ مِنْ زَمِيلاتِهَا.

۱۲- بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرُغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ.

۱۳- التَّلَامِيذُ ظَنُّوا أَنَّ طَالِبِي الصَّفِّ الْآخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ أَوْ يُمَارِسُونَ نَشَاطًا حَزْأً.

۱۴- لِمَاذَا لَا تَذْهَبِينَ إِلَى السَّفَرِ؟

ترجم العبارات التالية ثم عَيِّن نوع التراكيب فيها.

۱۵- الْمَرَّاقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكُنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ.

۱۶- شَاهَدَتِ الْمُدِيرَةَ إِحْدَى الطَّالِبَاتِ بِاسْمِ فَاطِمَةَ.

۱۷- كَانَتْ مَدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمَدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرُغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ.

ترجم الأفعال التالية واذكر نوعها.

۱۸- ما بقيتم:

۲۰- لا نشاهد:

۲۲- سوف تحاولين:

۲۴- سأغلق:

ترجم الأفعال التالية و اكتب صيغتها.

۲۵- سنتعاون:

۲۷- أرمي:

۲۹- لا تسألان:

۳۱- تتفعلن:

ترجم العبارات التالية. هل تعلم أن ...

۱۹- كانا ينتظران:

۲۱- طننننن:

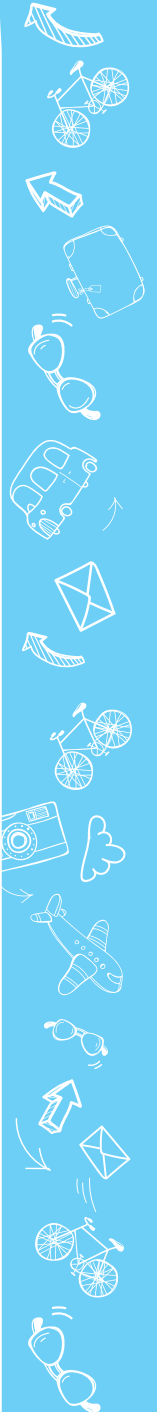
۲۳- ما تكلمتن:

۲۶- كانت تنصحن:

۲۸- لا تحافظي:

۳۰- أذكرن:

۳۲- ... القطة ترى في الظلام أفضل من الانسان بسبع مرات!؟



٣٣- ... نوعاً مِنَ الكنغر يقدر على أن يقفز إلى الأعلى أكثر من ثلاثة أمتارٍ وأكثر من اثني عشر متراً إلى الأمام وذلك في قفزة واحدة؟!

٣٤- ... القرآن ذو ثلاثين جزءً ومئةٍ وعشرين حزباً؟!

٣٥- ... أربعة أئمةٍ من أهل البيت عليهم السلام دُفِنوا في البقيع؟!

٣٦- ... ضوء الشمس يصل إلينا خلال ثمانين دقائق فقط؟!

أي كلمة من الكلمات تُناسبُ التوضيحات التالية؟

٣٧- هم الذين يعيشون في البلاد. (المحافظة - الشباب - الشعب)

٣٨- هو الذي يُسافر إلى مُدن كثيرة وبلادٍ مختلفةٍ لكسب العلم والتجربة. (السائح - السائق - الطيار)

٣٩- هو الذي يعظ الآخرين بالقول والعمل. (الخز - الهاتف - الناصح)

ضع في الفراغ الضمير المناسب.

٤٠- الطفولة السنين الأولى من حياة الإنسان.

٤١- أسافر إلى المناطق المختلفة لصيد الحيوانات النادرة.

٤٢- المعلمات اللاتي يذهبن إلى الصف ويدرسن جيداً.

٤٣- تصبرين في مصاعب الحياة.

اكتب مفرد الأسماء التالية.

٤٤- أعمدة: ٤٥- أنابيب:

٤٨- حُجرات: ٤٩- شعوب:

صَحِّح الأخطاء حول العبارات التالية.

٥٢- التلاميذُ مشغولاتٌ بِتَهْيئةِ صحيفةٍ جداريةٍ.

٥٤- المخزَنُ مكانٌ نجعلُ ونحفظُ فيه شيئاً مختلفَةً.

٥٦- هاتانِ الطفلتانِ تلعبانِ بين الأشجارِ.

٥٨- أين تذهبون؟ أذهبُ إلى منْظمةِ العملِ.

اكتب في الفراغ كلمةً مناسبة، حَسَبِ المعنى واللفظ.

٥٩- أين جَلَسْتِ المرأة؟

٦٠- هي باب بيتها.

٦١- يا أختي، هل الزمان قبل دقيقة؟

٦٢- أنتِ طيبةٌ المرضي بدقة.

اكتب في الفراغ عدداً مناسباً.

٦٣- ﴿فكفَّارتهِ إِطعامُ مساكين﴾

٦٤- ﴿قلنا اضربِ بِعصاكِ الحَجْرَ فَأَنفَجَرْتِ مِنْهُ عيناً﴾

٦٥- أَسْتَشْهَدُ فِي ساحةِ الجهاد مجاهداً.

٦٦- سَتَسْهَدُ الإمامَ الحُسينَ عليه السلام فِي اليومِ من شهرِ مُحَرَّمِ.

اَجب عن العَمَليَّاتِ الحِسابِيَّةِ التَّالِيَةِ.

٦٧- خمسون تقسيم على عشرة يساوي خمساً.

٦٩- تسعٌ وأربعون ناقصٌ ثلاثين يساوي تسعة عشر.

ترجم الأعداد والمعدودات.

٦٨- واحد وثلاثون زائد تسع وستين يساوي مئة.

٧٠- سبعون ناقصٌ عشرين يساوي خمسين.

٧١- خمسة كتب: ٧٢- إلهينِ إثنين:

٧٣- ثلاثة أيام: ٧٤- سنةٌ أسابيع:

٧٥- أحد عشر مضيقاً: ٧٦- سبعة لاعبين:

٧٧- ثلاثة عشر تلميذاً: ٧٨- إثنانِ وعشرون مدرسَةً:

٧٩- تسعةٌ وتسعون ذئباً: ٨٠- سبعٌ وستون حديقةً:

٨١- واحدٌ وسبعون قلاماً: ٨٢- أربعةٌ وخمسون بيتاً:

- | | | | | | |
|--------------------------|------|--------------------------|-------|--------------------------|------|
| <input type="checkbox"/> | هي | <input type="checkbox"/> | أنت | <input type="checkbox"/> | هُم |
| <input type="checkbox"/> | أنتِ | <input type="checkbox"/> | أنا | <input type="checkbox"/> | هُما |
| <input type="checkbox"/> | أنتن | <input type="checkbox"/> | هُنَّ | <input type="checkbox"/> | هُم |
| <input type="checkbox"/> | أنتِ | <input type="checkbox"/> | أنت | <input type="checkbox"/> | أنا |

- | | | | | |
|-------|-------------|-------|-------------|-------|
| | ٤٤- أعمدة: | | ٤٥- أنابيب: | |
| | ٤٨- حُجرات: | | ٤٩- شعوب: | |

- ٥٢- السِّيَّارتانِ تصادما أمام بابِ المَصْنَعِ.
- ٥٥- عَشْرَةٌ طُلابُ كانِ فِي السَّفْرَةِ العَلِمِيَّةِ.
- ٥٧- وَأولئكَ الحَيَواناتُ يَأْكُلْنَ الفُواكِهَ.

- | | | | | | |
|--------------------------|----------|--------------------------|-----------|--------------------------|------------|
| <input type="checkbox"/> | ذلك | <input type="checkbox"/> | هذه | <input type="checkbox"/> | هذا |
| <input type="checkbox"/> | طَرَقْتُ | <input type="checkbox"/> | ما طَرَقَ | <input type="checkbox"/> | يَطْرُقُنْ |
| <input type="checkbox"/> | أكلتم | <input type="checkbox"/> | كان تأكلُ | <input type="checkbox"/> | أكلتِ |
| <input type="checkbox"/> | تحصين | <input type="checkbox"/> | تفحصُ | <input type="checkbox"/> | إفحصوا |

- | | | | |
|--------------------------|---------------|--------------------------|--------------|
| <input type="checkbox"/> | عَشْرَةَ | <input type="checkbox"/> | إثنا عَشَرَ |
| <input type="checkbox"/> | إثنا عَشْرَةَ | <input type="checkbox"/> | سبع |
| <input type="checkbox"/> | عَشْرَةَ | <input type="checkbox"/> | سبعةٌ وخمسون |
| <input type="checkbox"/> | العَاشِر | <input type="checkbox"/> | عَشْرَ |

٦٨- واحد وثلاثون زائد تسع وستين يساوي مئة.

٧٠- سبعون ناقصٌ عشرين يساوي خمسين.

٧٢- إلهينِ إثنين:

٧٤- سنةٌ أسابيع:

٧٦- سبعة لاعبين:

٧٨- إثنانِ وعشرون مدرسَةً:

٨٠- سبعٌ وستون حديقةً:

٨٢- أربعةٌ وخمسون بيتاً:

٧٣- ثلاثة أيام:

٧٥- أحد عشر مضيقاً:

٧٧- ثلاثة عشر تلميذاً:

٧٩- تسعةٌ وتسعون ذئباً:

٨١- واحدٌ وسبعون قلاماً:

٧٢- إلهينِ إثنين:

٧٤- سنةٌ أسابيع:

٧٦- سبعة لاعبين:

٧٨- إثنانِ وعشرون مدرسَةً:

٨٠- سبعٌ وستون حديقةً:

٨٢- أربعةٌ وخمسون بيتاً: